



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره سوم، شماره یکم، بهار ۱۴۰۰

تغییر مقدار نحله و تاثیر آن بر اقتصاد خانواده

سمیه حافظی^۱، مهدی شیخیان تبریزی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری فقه و میانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. کارشناسی ارشد مدیریت دولتی (منابع انسانی)، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: روابط مالی زن و شوهر به صورت نحله با توافق و اراده دو خانواده تعیین می‌شود که در حمایت کامل قانون بوده و به وسیله ابزار و اهرم‌های خاص قانونی نیز قابل وصول است و مستقلاً دارای ارزش و مالیت است. زوجین با توافق طرفین می‌توانند آن را تغییر دهند.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده، روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است، با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: زن و شوهر بعد از نکاح نیز می‌توانند به تراضی بر میزان نحله بیافزایند یا از آن بکاهند یا مال دیگری را مهر قرار دهند؛ البته در این زمینه نظرات متفاوتی بیان شده، عده‌ای گفته‌اند: «برخلاف آنچه در طول قرارداد اتفاق افتاد، شریعت مشابه آنچه که در طول قرارداد اتفاق افتاد و به لحاظ قانونی برای افزایش نحله پس از ازدواج صحیح نمی‌باشد». افزایش یا کاهش میزان نحله از سوی زوج یا زوجه در ضمن عقد نکاح ممکن است در قالب شرط فعل و یا شرط نتیجه، قرار گیرد. زوجه از جنبه اقتصادی به آن می‌نگرد.

نتیجه‌گیری: بنابراین نحله با اراده زوجین تعیین می‌گردد که هم می‌توانند قسمتی از آن را بذل کنند، یا تمام آن را ببخشند، آن را کم کنند یا بیشتر کنند که در این مورد اختلاف نظر وجود دارد و می‌توانند در قالب شرط ضمن عقد بیاورند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۰ - ۱۰۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۸/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴

واژگان کلیدی:

میزان نحله، نکاح، عقد، شرط، اقتصاد.

نویسنده مسوول:

مهدی شیخیان تبریزی

آدرس پستی:

ایران، فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی.

تلفن:

09125547633

کد ارکید:

0000-0003-2531-4607

پست الکترونیک:

Mahdyshikhiyan@gmail.com

مقدمه

به دلیل این که نحله جنبه پیش کشی و عطیه و هدایی دارد این واژه را به کار می‌بردند. ضمن این که مهریه باید ارزش اقتصادی داشته باشد، بر کسی نیز روا نیست که در آن دخل و تصرفی بکند. (فیض، ۱۳۹۱، ص ۷۸)

مقدار نحله امر ثابتی نیست و رضایت و توافق میان زوجین تعیین کننده مقدار نحله است. همچنین بررسی نگرش اسلام به نحله حاکی از آن است که نحله پس از جاری شدن حکم عقد و یا ارتباط و نزدیکی زوجین برای زن مسلم دانسته می‌شود. برخی دیدگاه‌ها بر این عقیده هستند که با انجام عقد، زن تنها مالک نصف نحله می‌شود و با برقراری نزدیکی، تمامی آن را مالک می‌گردد. (نجفی، ۱۴۲۲، ص ۸۸).

در این مقاله بر آنیم که تغییر مقدار نحله و تأثیر آن بر اقتصاد خانواده را مورد بررسی قرار دهیم.

۱- نحله

برای بررسی تغییر مقدار نحله ابتداء مفاهیم و نظرات صاحب نظرات در این خصوص را بازگو و از زوایای مختلف مورد بازبینی قرار خواهیم داد.

۱-۱- مفهوم نحله

مهر یا نحله که در لغت به آن «کابین» نیز گفته می‌شود، مالی است که زن بر اثر ازدواج صاحب آن شناخته می‌شود و مرد ملزم است تا آن را بپردازد. (صفایی امامی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۸)

در اسلام برای نحله محدودیتی قائل نشده‌اند و مقدار معینی هم بیان نشده است، بلکه هر آنچه که ارزش مالی داشته باشد می‌تواند به عنوان نحله قرار گیرد؛ مانند طلا، نقره، پول‌های رایج، لوازم زندگی، یا حتی آموزش قرآن یا آموزش علم یا مهارتی ویژه می‌تواند به عنوان نحله در نظر گرفته شود. باید توجه داشت که برای آموزش نیز می‌توان ارزش مالی تعیین کرد. در صدر اسلام نیز نحله از قسمتی از اموال موجود مرد پرداخت می‌شد.

در اسلام بیان شده که نحله محصول توافق است و می‌توان نحله را کم یا زیاد گفت. یعنی می‌توان براساس ویژگی‌های زوجین نحله عقلایی زیاد تعیین کرد، اما نحله‌هایی که عقلایی نیست و توان پرداخت آن وجود ندارد نباید گفته شود. امکان پرداخت و تهیه نحله باید وجود داشته باشد. این که عده‌ای از زوجها می‌خواهند بگویند که هیچ وقت از هم جدا نمی‌شوند و یک نحله شاعرانه یا غیرعقلانی غیرقابل پرداخت بیان می‌کنند هم درست نیست، زیرا معمولاً ارزش مالی ندارد. اما آنچه را ارزش مالی داشته و عرفاً هم قابل پرداخت می‌باشد را می‌توان براساس توافق طرفین تعیین نمود. در اسلام حق نحله متعلق به خود زن است نه والدینش یا هر شخص دیگر. نحله به حالت فطری و طبیعی آمده است، اختراعی نمی‌باشد. نحله معمولاً از جانب کسی که طالب یا خواستگار است ارائه می‌گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۰).

دعوی مطالبه مازاد بر نحله از سوی دادگاه بدوی را وارد ندانسته و دادنامه مذکور را تأیید نموده است. در مقابل می‌توان با استناد به اصل آزادی اراده و ماده ۱۰ ق. م.، ماده ۹ قانون ثبت اعمال و اموال که کلیه اسناد رسمی مربوط به بدهی‌ها و سایر اموال منقول را بدون نیاز به سفارش دادگاه تشخیص می‌دهد. دعوی مطالبه مازاد برنحله را چنانچه مستند آن سند رسمی باشد وارد دانست؛ دادنامه شماره ۱۱۷۹ مورخ ۱۳۸۴/۲/۳۱ صادره از شعبه بیست و هفتم دادگاه تجدیدنظر استان تهران در نقض دادنامه شماره ۱۵۲۲-۱۵۲۱ مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۵...: «طبق ماده ۹۲ قانون ثبت احوال و اموال، طبق آن قضات دادگاه ملزم به رعایت مقررات اسناد رسمی و ادعای کامل حقوق غیرقابل فسخ می‌باشند، طبق سند رسمی، این قرارداد بیش از یک توافقنامه بود و هیچ منع قانونی وجود نداشت، بنابراین مطابق با سطوح بالا، این قانون یک درخواست استیناف را تنظیم کرده است. یک بحث که ممکن است ایجاد شود این است که گاهی مهری که در عقد ذکر می‌شود مقصود واقعی نیست؛ به طوری که احتمال دارد زیاد تر از مهر واقعی یا کمتر از آن باشد. بدین ترتیب مهرالمسمی پنهان می‌ماند و آنچه اعلام می‌شود صوری است. در این وضع این پرسش مطرح می‌شود که کدام یک از این دو اعتبار دارد؟ مقصود واقعی که پنهان مانده یا ظاهر ناخواسته که اعلام شده؟ و یا اینکه اصلاً به دلیل صوری بودن آنچه اعلام شده و اعلام نشدن آنچه مقصود است، عقد در حکم موردی

«مهر یا نحله مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک آن می‌گردد و مرد ملزم به دادن آن به زن می‌شود.» (همان)

نحله از ارکان عقد نکاح دائم تلقی نمی‌شود، بلکه از آثار آن محسوب می‌شود، زیرا عقد نکاح بدون نحله صحیح است. قانون مدنی ایران نحله را تعریف نکرده است و به صورت کلی در ماده‌ی ۱۰۷۸ آن را توصیف نموده و بیان داشته است که: «هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد می‌توان نحله قرار داد».

بنابراین از نظر فقه و حقوق اسلامی، نحله در زمره حقوق زنان است و تصرف دیگری در آن جایز نیست. پس نحله در لغت به معنای کابین می‌باشد و در اصطلاح یکی از حقوق مالی زن، نحله است که به موجب عقد ازدواج به وی تعلق می‌گیرد.

۲- تغییر در میزان نحله و نظرات آن

بحث تغییر در میزان نحله، موضوعی است که قانون مدنی نسبت به آن سکوت اختیار نموده است. در رویه قضایی، احکام متفاوتی در این خصوص صادر شده است برای مثال، برخی دادگاه‌ها با این استدلال که نحله قانونی همان چیزی است که در طول ازدواج تعیین شده است، ادعایی برای بیش از حد جهیزیه ایجاد نمی‌کنند؛ دادنامه شماره ۱۲۳۰ مورخ ۱۳۸۳/۹/۱۶ صادره از شعبه دوم تجدیدنظر استان تهران که با تأیید دادنامه شماره ۸۲/۳۷۹۹ و ۳۷۹۸ مورخ ۱۳۸/۱۲/۲۱ صادره از شعبه ۲۴۰ دادگاه خانواده تهران، اعتراض خواهان نسبت به رد

است که بدون مهر المسمی واقع شده یا مهر آن باطل است؟ (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۳۸)

۲-۱- نظرات موافقین و مخالفین

در بررسی این موضوع دو فرض را می‌توان در نظر گرفت؛ یکی فرضی که دو عقد بین زن و شوهر واقع شده است، و دوم فرضی که تنها یک عقد واقع شده است، منتها در آن عقد مقصود واقعی پنهان مانده و آنچه اعلام شده با آن تفاوت دارد. در خصوص فرض اول یعنی فرضی که دو عقد بین زن و شوهر واقع شده است؛ مثل اینکه عقد نخستین که در آن سخنی از نحله نرفته و مقصود پنهان مانده است و عقد دیگری که به ظاهر مهری گزاف یا ناچیزتر از مقصود واقعی در آن آمده است. از نظر فقهای امامیه عقد نخست معتبر است و نکاحی که بعد از آن به انگیزه وانمود کردن نحله ظاهری واقع شده لغو است. همچنین است اگر نخستین عقد حاوی نحله و دوم بدون نحله باشد. زیرا با انعقاد نخستین عقد نکاح، عقد دوم بدون موضوع و بیهوده است.

با این وجود یکی از استادان معتقد است اگر احراز شود که مقصود از عقد دوم تغییر مفاد تراضی درباره‌ی مهرالمسمی یا میزان آن بوده است، این تراضی را بایستی محترم شمرد، زیرا فرض این است که زن و شوهر بعد از نکاح نیز می‌توانند به تراضی بر میزان مهر بیافزایند یا از آن بکاهند یا مال دیگری را نحله قرار دهند (همان). بحث دیگر این است که چنانچه مهر المسمی در ضمن عقد تعیین شده باشد، آیا زوجین می‌توانند به تراضی پس از عقد نکاح میزان آن را کاهش یا افزایش دهند یا

خیر. به اعتقاد آیت الله گلپایگانی، از نظر حقوقی می‌توان پس از توافق بر میزان مهرالمسمی میزان آن را تغییر داد. نیز معتقدند که زوجه بیشتر از آنچه که در عقد ذکر شده یعنی مهرالمسمی، حق مطالبه ندارد مگر این که به یکی از عقود لازم زوج متعهد شده باشد که آن را بپردازد یا در مقابل چیزی که مالیت دارد تعهد نموده باشد (محقق داماد، ۱۳۸۰، ص ۲۴۴)

۳- مبانی نظری تحقیق

این مبانی عبارتند از:

۳-۱- بررسی مشروعیت افزایش میزان نحله در اقتصاد خانواده

تا چند سال اخیر، بر اساس مقررات ثبتي امکان افزایش نحله، وجود داشت؛ به موجب قسمت (ب) از بند ۱۵۱ مجموعه بخشنامه‌های ثبتي تا اول مهرماه ۱۳۶۵ «اگر به دلایل مختلفی که این زوج موفق به افزایش وضعیت همسر می‌شوند، این اقدام باید مطابق با اعتراف رسمی که در دفتر محرز ثبت شده است انجام شود...». افزایش میزان جهیزیه به شکل اعلامیه موجب شد که مفاد بند ۹۲ قانون ثبت آثار و اموال به تصویب برسد، بنابراین معنای آن بدون نیاز به حکم دادگاه لازم‌الاجرا بود. در پی شکایت یک شاکی حقیقی به خواسته ابطال قسمت (ب) بند ۱۵۱ مجموعه بخشنامه‌های ثبتي، در دیوان عدالت اداری شاکی را در یک دادخواست اولیه اعلام کرده بود که بخش ۱۵۱ از بخشنامه شماره ۱۵۱ شورای ثبت اموال دولتی و اداره ثبت

«مهریه در شریعت همان چیزی است که در طول ازدواج اتفاق افتاد، و افزایش مهریه پس از ازدواج به طور قانونی صحیح نیست، و ترتیبی که در آن تاثیرات جهیزیه بر خلاف شریعت اسلام تلقی می‌شود.»

اما به نظر می‌رسد نظریه شورای نگهبان مبنی بر فقدان وجهه شرعی برای افزایش بعدی میزان نحله، اطلاق دارد و لذا هرگونه تغییر، تعدیل و تبدیل نحله که چنانچه موجب افزایش میزان نحله گردد را شامل می‌شود. بنابراین نمی‌توان ۱۰۰۰ سکه نحله را به مالی، به عنوان مثال یک ملک، تغییر داد که ارزش آن بیش از ۱۰۰۰ سکه باشد. در مواردی ممکن است طرفین توافق کنند که زوج مال دیگری را به عنوان نحله به زوج بدهد. این عمل در حقیقت تبدیل نحله است. این که آیا می‌توان این نوع توافق را تبدیل تعهد دانست یا خیر، به هر حال نمی‌تواند تعهد جدید بیشتر از مهریه باشد، که در این صورت بر مازاد، عنوان مهریه شرعی صدق نمی‌کند. ماده ۲۹۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «وقتی که متعهد و متعهدله به تبدیل تعهد اصلی به تعهد جدیدی که قائم مقام آن می‌شود به سببی از اسباب تراضی نمایند در این صورت متعهد نسبت به تعهد اصلی بری می‌شود». از نظر تحلیل حقوقی، رابطه‌ی بین سقوط تعهد سابق و پیدایش تعهد جدید، رابطه علت و معلولی است، بنابراین هرگاه به جهتی از جهات تعهد سابق باطل باشد، تعهد جدید به وجود نمی‌آید، در این حالت تعهد سابق ساقط نشده و به حال خود باقی است. (امامی، ۱۴۱۱،

احوال با توجه به امکان افزایش بیشتر جهیزیه به شکل یک اعلامیه رسمی تقدیمی کرده بود مهریه از فروعات عقد بوده و بر اساس قوانین شرع مقدس اسلام، هرگونه افزایش در میزان نحله مستلزم فسخ نکاح و جاری شدن مجدد صیغه عقد دائم و تحقق ایجاب و قبول طرفین می‌باشد. در مقابل، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در پاسخ به شکایت مذکور اعلام داشته بود که قسمت (ب) بند ۱۵۱ مجموعه‌ای از دستورها ثبت، اساساً بر اساس اصول اراده آزاد انسان و قانون "الناس مسلطون علی اموالهم" با توجه به اینکه سهام در قرارداد دائمی یکی از ستون‌های قرارداد نیست و همچنین با مشاهده شرایط ماده ۱۹۰ قانون مدنی تنظیم شده است و به منظور افزایش سهم بعد از قرارداد تنظیم نشده است؛ به نظر می‌رسد زوجین با استفاده از همین اصل و قاعده، گاهی برای کاهش میزان حق احترام متقابل بین ما پس از ازدواج اقدام می‌کنند و منع و پیش‌گیری از اعمال چنین حقوق مسلم بر خلاف اصول مذکور است. با این حال، این حقوق می‌تواند از طریق فروش یا صلح اعمال شود. لذا قسمت (ب) بند ۱۵۱ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی با قوانین و مقررات موضوعه مغایرت ندارد.

دیوان عدالت اداری با توجه به ادعای خلاف شرع بودن این جزء از بخشنامه، مستند به ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری اظهار نظر شورای نگهبان را خواستار شد. شورای نگهبان در نظریه شماره ۸۸/۳۰/۳۵۰۷۹ مورخ ۱۳۸۸/۰۵/۱۲ اعلام فرمود:

نیست. همان گونه که مورد اجاره واقع می‌شود می‌تواند نحله نیز قرار گیرد زیرا منفعت پس از تملیک به دیگری تبدیل به مال می‌گردد. (محقق داماد، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲)

به هر حال بر اساس اطلاق نظر شورای نگهبان، مهر چه منفعت باشد، چه کار و نیروی انسانی و چه تعهد منفی، نمی‌تواند افزایش یابد. بر این اساس، افزایش نحله پس از ازدواج اساس حقوقی ندارد و نظم و ترتیب نحله در آن شرعی تلقی می‌شود. لذا هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مستند به همین نظریه، در دادنامه شماره ۴۸۸ مورخ ۱۳۸۸/۰۶/۱۵ موضوع پرونده کلاسه ۵۱۶/۸۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، رای داد: « به شرح نظریه شماره ۸۸/۳۰/۳۵۰۷۹ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۲ فقهای محترم شورای نگهبان " مهریه یکسان است زیرا در طول ازدواج و افزایش نحله پس از ازدواج به طور قانونی صحیح نیست و نظم و ترتیب مهریه در آن بر خلاف شریعت است " بنابراین جزء (ب) از قسمت ۱۵۱ بخشنامه‌های ثبتی که نتیجتاً مبین امکان افزایش مهریه به شرط تنظیم سند رسمی است، مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ ابطال می‌شود.»

بنابراین به نظر می‌رسد با استنباط از مفهوم مخالف نظر شورای نگهبان، کاهش میزان نحله در هر قالبی، چه شرط ضمن عقد باشد و چه صلح، هبه و ... قانونی است. لیکن از اطلاق نظریه شورای نگهبان، استنباط می‌شود که کاهش میزان نحله

بنابراین چنانچه به موجب تبدیل تعهد، نحله افزایش یابد، نظر به این که خود افزایش نحله شرعی نیست، پس در تبدیل تعهد نیز افزایش آن قانونی نیست. لکن اگر تبدیل تعهد موجب پیدایش تعهد جدیدی نگردد که میزان نحله در آن افزایش یابد، صحیح است. منافع می‌تواند مطلقاً نحله قرار گیرد به شرط آن که واجد دو شرط موجود در ماده ۱۰۷۸ ق. م. باشد. ماده ۱۰۷۸ ق. م. مقرر داشته که: «هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد می‌توان نحله قرار داد». کار و نیروی انسانی از آنجا که منفعت محسوب می‌شود نیز می‌تواند مطلقاً نحله قرار گیرد به شرط آن که واجد دو شرط موجود در ماده ۱۰۷۸ ق. م. باشد. آنچه ممکن است در مورد موضوع نحله مطرح شود این است که آیا تعهدی که موضوع آن منفی است می‌تواند نحله قرار گیرد؟ به عنوان مثال آیا می‌توان ابراء زوجه از دینی که به زوج دارد نحله قرار داده شود یا آن که زوج تعهد به نساختن بنای مرتفعی را در مقابل خانه متعلق به زوج نحله او قرار دهد؟ برخی استادان به این موضوع پاسخ داده‌اند و گفته‌اند با توجه به ظاهر ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی پاسخ منفی خواهد بود، ولی می‌توان با تفسیر وسیعی که به دور از احتیاط قضایی می‌باشد بر آن شد که منظور ماده بر آن است که چیزی می‌تواند مهر قرار گیرد که زوجه از آن منتفع گردد و در این امر زوجه از حق نساختن بنای مرتفع در مقابل خانه خود منتفع می‌شود. همچنین است هرگاه ابراء زوجه از دینی که به زوج دارد مهر او قرار داده می‌شود. بنابراین منفعت انسان اگر چه ابتدائاً مال

مصادق افزایش نحله پس از عقد نکاح دانست. (بروجردی عبده، ۱۳۸۳، ص ۸۱)

طبق ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی: «طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد، در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگری بنمایند...». یک فرض قابل تصور در باب نحله می‌تواند این باشد که زوجین یا یکی از آنان شرط کنند که در آینده نحله معین شده در ضمن عقد، بتواند افزایش یابد. چنان‌که می‌توان گفت شرط شده باشد در صورتی دارایی زوج به فلان مقدار برسد، نحله زوجه نیز مقداری افزایش یابد. در این حالت این مسئله مطرح می‌شود که آیا چنین شرطی می‌تواند از ضمانت اجرا برخوردار باشد یا خیر. قانون مدنی نسبت به شروط ضمن عقد که به صورت شرط فعل در عقد نکاح گنجانده می‌شود سکوت اختیار کرده است. برخی از حقوق دانان معتقدند با توجه به ماده ۴۴۴ قانون مدنی و مواد ۲۳۷ تا ۲۴۰ قانون مدنی، زوجه ابتدا باید از طریق دادگاه الزام زوج را به انجام دادن شرط بخواهد و در صورت عدم امکان، حق فسخ نکاح خواهد داشت. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۴)

لیکن به نظر بعضی دیگر، این استدلال مخدوش به نظر می‌رسد زیرا از نظر فقهی عوامل جدایی زن و مرد محدود به طلاق، فسخ، انقضاء مدت و یا بذل و امثال آن است و در این میان فسخ به موجب خیار حاصله از تخلف انجام تعهد در شریعت منظور نگردیده است. قانون مدنی نیز به پیروی از فقه

نیز غیر شرعی است. چرا که نحله شرعی همان است که در ضمن عقد واقع شده است. به نظر می‌رسد، همان‌گونه که افزایش مقدار نحله‌ای که در ضمن عقد واقع شده است، عنوان نحله شرعی ندارد، کاهش آن نیز عنوان نحله نداشته باشد. لکن، لازم به ذکر است که این مورد را نباید با عقود اعمال حقوقی‌ای اشتباه گرفت؛ بنابراین اگر در دفاتر اسناد رسمی سندی در قالب‌های حقوقی متفاوتی چون اقرار، ابراء، صلح، هبه و بذل تنظیم شود، کاهش نحله تلقی نمی‌شود.

۲-۳- شرایط تغییر میزان نحله در ضمن عقد

ممکن است ضمن عقد نکاح، افزایش یا کاهش میزان نحله از سوی زوج یا زوجه در قالب شرط فعل و یا شرط نتیجه، ضمن عقد نکاح قرار گیرد. بدین گونه که پس از عقد نکاح و تعیین مهرالمسمی، یک شرط ضمن عقد، امکان کاهش یا افزایش نحله را برای متعهد له فراهم نماید.

در خصوص فرض مربوط به اشتراط افزایش میزان نحله در ضمن عقد نکاح در قالب شرط فعل یا شرط نتیجه، باید توجه داشت که اصل آزادی قراردادهای، حاکمیت اراده طرفین و ماهیت قراردادی نحله همگی اقتضای آن را دارد که این شرط صحیح تلقی شود؛ ضمن آنکه شرط مذکور در زمره هیچ یک از شروط باطل یا مبطل موضوع مواد ۲۳۳ و ۲۳۲ قانون مدنی قرار نمی‌گیرد. افزون بر این، به دلیل اندراج چنین شرطی در ضمن عقد نکاح و شمول عنوان نحله بر آن و بالطبع، حکومت قواعد نحله بر آن، به نظر می‌رسد نمی‌توان این فرض را

چنین خیاری را برای احد طرفین قرار نداده است. (محقق داماد، ۱۳۸۰، ص ۳۲۹)

مقتضای ذات عقد نکاح، تمکین و تعیین نحله به مقداری که در بیع و سایر معاوضات شرط است، لازم نیست. ضمناً وفق ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی «طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد. در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند.» از جمع این موارد، خارج بودن شرط افزایش یا کاهش نحله از شمول شروط موضوع مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون مدنی و نتیجتاً شمول احکام ماده ۲۳۴ قانون مدنی بر آن استنباط می‌گردد.

برای تحقق این شرط، همزمان با انعقاد عقد نکاح و تعیین نحله، بر زوج شرط می‌گردد که سالیانه مبلغی به نحله تعیین شده بیفزاید (شرط فعل اثباتاً) یا بر زوجه شرط می‌گردد در صورت عدم ایفای وظایف زناشویی، مبلغی از طلبش بابت نحله کسر گردد. (شبیری زنجانی، ۱۴۱۸، ص ۱۵۳) این مثال‌ها ذکر دو حالت از حالات متعدد شروط ضمن العقد است که قطعاً جزء شروط صحیح و قابلیت ترتیب اثر دارد.

بنابراین به نظر نگارنده تکلیف دفاتر ازدواج در ثبت شرط افزایش یا کاهش نحله در اسناد ازدواج و طبعاً با عنایت به اعتبار اسناد رسمی، عنداللزوم، صدور اجرائیه به مبلغ تعدیل شده نحله خواهد بود. با این توصیف، تا تصویب قانون حاکی از منع شرط افزایش یا کاهش نحله ضمن عقد ازدواج، معتبر دانستن چنین شرطی الزامی و در نتیجه اعتقاد به

امکان افزایش یا کاهش نحله راسخ‌تر می‌گردد. لکن نظریه شورای نگهبان و رأی دیوان عدالت اداری که ذکر آن گذشت، اراده زوجین را در این خصوص محدود نموده و ملاحظه خواهد شد که ازدیاد نحله بعد از عقد شرعاً صحیح نیست و به نظر می‌رسد کاهش میزان نحله نیز غیر شرعی است.

۳-۳- کمیت و کیفیت نحله در گذر زمان

بررسی روایت‌های فقها نشان دهنده آن است که فقهای شیعه با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه، رویکردهای متفاوتی در قبال نحله و میزان کم و کیف آن مطرح کردند. از جمله این رویکردها متعلق به امام خمینی (ره) است که ضمن در نظر گرفتن معیار ۵۰۰ دینار برای نحله که در زمان رسول گرامی اسلام (ص) وجود داشت، بر تراضی طرفین برای تعیین نحله نیز تأکید می‌کنند. ایشان در این باره چنین می‌فرمایند: «هر آنچه مسلمان مالکش می‌شود، صحیح است که نحله قرار داده شود عین باشد یا دین، یا منفعت عین مملوکی از خانه یا مزرعه یا حیوان باشد. و صحیح است که منفعت شخص آزادی نحله قرار داده شود مانند تعلیم صنعت و مانند آن از هر عمل حلالی، بلکه ظاهر آنست که حق مالی که قابل نقل و انتقال است، صحیح است که نحله قرار داده شود مثل حق تحجیر و مانند آن و به مقداری تقدیر نمی‌شود، بلکه آنچه زوجین به آن رضایت پیدا کنند، زیاد باشد یا کم مادامی که به سبب کم بودن از مالیت خارج نشود. البته از طرف زیادی مستحب است که از مهرالسنه بیشتر

"مهر السنه" است، ولی برخی مانند آیت الله سید موسی زنجانی از مراجع تقلید قم در مواردی حکم به وجوب آن می‌کنند. برخی مانند آیت الله بهجت (ره) نحله بیشتر از آن را مکروه می‌دانند.

عقد بی نحله فوق العاده ناچیز، مورد رضایت دین نیست. ناگفته نماند که این سخن غیر آن است که زن با نحله‌ای به عقد مرد درآید و بعد از شروع زندگی، مقدار یا تمامی آن را به مرد ببخشد. بنابراین در جایی که تعیین نحله به زن سپرده می‌شود، او حق ندارد بیش از مهر السنه را تعیین کند و اگر هم تعیین کند، مقدار زیادی اش نافذ نیست. همین طور در جایی که اصلاً نحله‌ای تعیین نشده است، مهرالمثلی که بیش از مهر السنه نباشد، به عنوان نحله قرار می‌گیرد. (میرشمسی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۴).

از دیدگاه اسلام نحله سنگین مورد نکوهش قرار گرفته و در مقابل سبک بودن نحله از ارزش‌ها و خوبی‌های زن برشمرده شده است. (زمانی درمزاری، ۱/۳۸۷/۳۹) پیامبر اکرم (ص) فرمودند: "بهترین زنان امت من زنی است که نحله او از دیگران کمتر باشد.

در روایت دیگری از رسول خدا آمده است که "کمی نحله از برکت زن و زیادی نحله از شومی اوست". علاوه بر این، برخلاف آنچه تصور می‌شود که نحله سنگین موجب استحکام زندگی و تضمینی برای تداوم آن است. تجربه نشان داده که نحله سنگین در بسیاری از موارد موجب اختلاف و دشمنی است. بنابراین نحله سنگین نه دلیلی بر

نباشد و آن پانصد درهم است». (موسوی خمینی، ۱۴۱۲، ص ۳۳)

بدین ترتیب امام خمینی (ره) از جمله فقهای است که حد و سقفی از نظر کثرت برای نحله قائل نشده و آن را به تراضی طرفین عقد واگذار نموده است و اقل آن را نیز به میزان مهرالسنه و در حدی دانسته که مالیت داشته باشد به گونه‌ای که به آن بتوان مال گفت.

اسلام، نحله را وسیله ارزش‌گذاری زن نمی‌داند. از این رو کوشیده است نگرش به نحله را تغییر داده، برای ارزش زن و استحکام خانواده عوامل دیگری معرفی کند. از نگاه دینی، نحله سنگین زن مایه شومی و بد قدمی اوست و برترین زنان کسانی هستند که خوشرو و کم مهرند. تعداد زیادی از روایات تشویق و توصیه به آسان گرفتن در نحله و در مقابل مذمت نحله سنگین است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: خَيْرُ الصَّدَاقِ أَيْسَرُهُ؛ بهترین نحله، سبک‌ترین آن است و نیز فرمودند: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُهُنَّ وَجْهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا». «برترین زنان امت من، خوبروترین و کم‌مهرترین آنان است». (کیدری، ۱۴۱۶، ص ۱۱۷)

با این همه نظر مشهور بین متخصصین این است که برای نحله سقف معینی وجود ندارد و زن مجاز است و یا مرد می‌تواند هر مقدار که خواست یا توانست به عنوان نحله قرار دهد ولی آنچه در روایات به عنوان حداکثر نحله بیان و به آن توصیه شده است مبلغ معینی است که به آن "مهر السنه" می‌گویند. هر چند مشهور بین فقهاء استحباب

ارزش و ملاک خوبی زن محسوب می‌گردد و نه موجب استحکام پایه‌های زندگی و تضمین کننده آن است.

با گذشت زمان اهمیت معنوی نحله مورد توجه فقهای شیعه حتی در دوران معاصر شده است. از جمله مرتضی مطهری که درباره اهمیت نحله و جایگاه آن در استحکام خانواده در عصر جدید نیز بیان می‌کند: «یکی از اقدامات مرد در زندگی این است که برای جلب رضایت زن و به احترام موافقت او، هدیه‌ای نثار او می‌کند» (مطهری، ۳، ۱۳۶۹/۴۵).

همین رویه هدیه محور و محبت آمیز نسبت به نحله در اسلام باعث شده تا تراضی و توافق زن و مرد در مقوله نحله حائز اهمیت باشد. حقوقدانان نیز در همین راستا دیدگاه‌های خود را مطرح می‌کنند. امروزه تعیین نحله توسط زوجین به عنوان اصل مورد توجه قرار گرفته است. از جمله که از منظر حقوقی استدلال می‌شود که توافق زوجین در باب مقدار و نوع نحله به مثابه یک قرارداد تبعی در عقد نکاح محسوب می‌شود. این قرارداد تبعی تابع قواعد عمومی سایر معاملات است و موضوع آن جنبه مالی دارد، زیرا بدین وسیله مرد مالی را از باب الزام قانونی خود به زن تملیک می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۷۸)

لذا ضرورت اموری همچون معین بودن و مقدور التسلیم بودن مهریه نه به خاطر وجود یک قرارداد و سپس تطبیق شرایط صحت قرارداد بر آن وضع شده، بلکه به منظور تامین تعهدات ناشی از عقد برقرار شده است. (سعیدی، ۱۳۸۹، ص ۳۱)

مطابق ماده ۱۰۷۸ ق.م.مهرالمسمی زمانی صحیح است که دارای دو شرط مالیت و قابل تملیک باشد. برخی از محققان که حقوق خانواده را به صورت شرح قانون مدنی بررسی کرده‌اند، تنها همین دو شرط را کافی برای صحت مهر دانسته‌اند؛ لیکن برخی حقوقدانان شرایط دیگری را نیز برای مهرالمسمی تعیین کرده‌اند، هرچند که این شروط در مواد مربوط به نحله در قانون مدنی نیامده است، ولی می‌تواند نظریه موارد مذکور در ماده ۱۰۷۸ ق.م. و ملاک از مواد ۲۱۵ و ۳۴۸ ق.م. که منفعت عقلایی داشتن مورد معامله را شرط صحت تملیک مال به دیگری قرار داده است. شرط چهارمی نیز وجود دارد و آن معین بودن مهر است که از تنقیح منای از قواعد عمومی معاملات با موضوع نحله بر می‌آید؛ و شرط پنجم معلوم بودن نحله است که ماده ۱۰۷۹ ق.م. عنوان می‌دارد: «نحله باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آن‌ها بشود معلوم باشد». و در نهایت شرط آخر این که نحله باید مقدورالتسلیم باشد که از ملاک ماده ۳۴۸ ق.م. استنباط می‌گردد. بنابراین در صورتی که یکی از شرایط مذکور موجود نباشد، نحله باطل است.

۳-۴- بررسی نحله سنگین

لازم بذکر است که تعیین نحله گزاف و خارج از توان مالی زوج، نقشی در تحکیم روابط زناشویی و جلوگیری از فروپاشی خانواده ندارد، از آنجا که در اغلب موارد قبول چنین تعهدات طاقت فرسا از سوی مرد برخلاف میل باطنی و رضایت قلبی بوده، و در مواردی زن نیز به منظور به کرسی

۴- نتیجه‌گیری

نحله در معنای خاص نهادی است که معادل آن در حقوق غربی یافت نمی‌شود. با وجود این نحله و احکام آن از نهادهای تأسیسی اسلام نیست، بلکه اسلام آن را، که در ملل و ادیان گذشته بوده، امضا نموده است.

پرداخت نحله زن وظیفه مرد و یک الزام قانونی است که قانونگذار هرگز آن را تشریفاتی و صوری نمی‌داند. امروزه تعیین نحله‌های سنگین، بدون توجه به اوضاع و احوال و توانایی زوج، زمینه ساز بسیاری از مشکلات اجتماعی و خانوادگی شده است. در هر حال در نحله می‌توان تغییر ایجاد کرد.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی در خصوص نگارش مقاله و امانت‌داری در ارجاعات رعایت گردید.

سهم نویسندگان

نگارش و تألیف این مقاله مشترکاً توسط تمامی نویسندگان صورت گرفته است.

تضاد منافع

در این تحقیق تضاد منافی وجود ندارد.

نشان دادن خواسته‌های خود در مقام سوء استفاده از این حق بر می‌آید، ثمره عملی تعیین نحله گزاف، در صورت تمایل از سایر شروط ضمن عقد مؤثر در تحکیم مبانی خانواده نظیر، اعطای وکالت در طلاق به زن در صورت ناسازگاری و عدم تفاهم زوجین، یا شرط تعیین محل سکونت زوجین، یا شرط اشتراک اموال زن و شوهر و با نظر کارشناس و یا متخصص امر استفاده نمایند. بهتر است راهکار اجرایی جهت مقابله با معضل نحله‌های سنگین الزام دفاتر ازدواج و طلاق به درج شرط «عند الاستطاعه» در قباله نکاح باشد که در این صورت نه تنها تعیین نحله‌های گزاف زوج را با عسر و حرج مواجه نمی‌نماید، بلکه زوجین را به تعیین میزان نحله‌های معقول و واقعی سوق می‌دهد. در مواقعی هم که به هر علت زوجین قصد کاهش نحله و یا اسقاط آن را دارند، حتماً قبل از امضای هرگونه سند عادی یا رسمی با اهل فن دقیقاً مشورت نمایند.

منابع

۱. امامی، سید حسن، (۱۴۱۱)، حقوق مدنی، جلد ۲، چاپ سوم، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیة تهران
۲. بروجردی عبده، محمد، (۱۳۸۳)، کلیات حقوق اسلامی، جلد ۱، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران
۳. زمانی درمزاری، محمد رضا، (۱۳۸۷)، راهنمای عملی و کاربردی نحوه مطالبه و وصول مهریه در محاکم دادگستری و مراجع ثبتی، چاپ سوم، تهران، نگاه بینه.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۶)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
۵. شبیری زنجانی، موسی، (۱۴۱۸)، کتاب نکاح، قم، موسسه پژوهشی رای پرداز صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله، (۱۳۹۲)، حقوق خانواده، چاپ سی و ششم، تهران، بنیاد حقوقی میزان
۶. فرجی، حمید، شرح التحریر الروضه (کتاب طلاق و نکاح)، بی تا، جلد ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات بهرامی
۷. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۹)، حقوق مدنی خانواده، جلد ۱، چاپ هفتم، بنیاد حقوقی میزان.
۸. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۰)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد ۶، چاپ شانزدهم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
۹. کیدری، قطب الدین محمد بن حسین، (۱۴۱۶)، اصباح الشیعه بمصباح الشریعه، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۰)، قواعد فقه بخش مدنی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
۱۰. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۹۰)، بررسی فقهی حقوق خانواده، چاپ شانزدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۹)، نظام حقوق زن در اسلام، جلد ۳، چاپ چهارم، تهران، نشر صدرا.
۱۲. موسوی خمینی، روح الله، (۱۴۱۲)، کتاب النکاح، جلد ۵، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۳. شمس، فاطمه، (۱۳۸۰)، مبانی حقوق و تکالیف زن در ازدواج از دیدگاه فقه امامیه، جلد ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامیة.
۱۴. شمس، فاطمه، (۱۳۸۰)، مبانی حقوق و تکالیف زن در ازدواج از دیدگاه فقه امامیه، جلد ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامیة.
۱۵. میر



Changing the amount of school and its effect on the family economy

Somayeh Hafezi¹, Mehdi Sheikhian Tabrizi^{2*}

1. PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Master of Public Administration (Human Resources), Firoozkooh Branch, Islamic Azad University, Firoozkooh, Iran.

ARTICLE INFORMATION:

Article Type: *Original Research*

Pages: 90-102

Article history:

Received: 18 Oct 2020

Edition: 14 Nov 2020

Accepted: 19 Dec 2020

Published online: 3 Apr 2021

Keywords:

Amount of dowry, Marriage, Contract, Condition, Economy.

Corresponding Author:

Mehdi Sheikhian Tabrizian

Address:

Iran, Firoozkooh, Islamic Azad University.

Orchid Code:

0000-0003-2531-4607

Tel:

09125547633

Email:

Hafezi.somayeh@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: The financial relations of a couple are determined as dowry by agreement and will of the two families, which is in full support of the law and can be collected by special legal tools and levers and has value and tax independently. The couple agrees with the parties. They can change it.

Materials and Methods: This is a theoretical research. The research method is descriptive-analytical. The method of collecting information is library. It has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical considerations: In all stages of writing the present study, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: After marriage, a couple can increase or decrease the dowry by compromise or seal another's property; Of course, different opinions have been expressed in this regard, some have said: "Sharia dowry is the same as it was during the contract and increasing the dowry after the contract is not legally valid." Increasing or decreasing the amount of dowry by the husband or wife during the marriage may be in the form of a condition of action or a condition of result. The wife looks at it from an economic point of view.

Conclusion: Therefore, the dowry is determined by the will of the couple, who can either spend part of it, or forgive the whole of it, reduce it or increase it.

Cite this article as:

Hafezi S. Sheikhian Tabrizian M. Changing the amount of school and its effect on the family economy. *Bioethics Journal* 2021; 3(1): 90-102.